بنام خداوند تعالی

چرا طلبه شدم؟

قصه طلبگی!

یاد گرفتن و یاد دادن روشی خداپسندانه است که هدف عالم خلقت از آغاز تا پایان است.یاد گرفتن و یاددادن از دبیرستان همره بود .عشق به علم در سینه ام می جوشید ! بدون فاصله در سال 55 از دانشگاه الزهراء(س) (اسم بعد از انقلاب)در رشته مترجمی انگلیسی و فرانسوی فارغ التحصیل شدم .{ البته باید بگویم که در دانشگاه آنروز با چادر می رفتم.}تشکیل زندگی و همسرداری و تربیت فرزند و رعایت حق و حقوق هر یک از اعضاء خانواده برایم در اولویت بود. پس از خانه جدا نشدم و در کنار خانه و خانواده تدریس انگلیسی اوقات فراغت من را پر می کرد.از زمانی که فارغ التحصیل شدم مشغول ترجمه متون انگلیسی نیز بودم.سالیان سال متون را ترجمه می کردم بدون اینکه به جایی ارجاع دهم چون زبان انگلیس فرّار بود و من در منزل شاگرد داشتم وبا شاگردان با زبان انگلیسی صحبت می کردم هدفم این بود که از آنچه آموخته بودم جدا نشوم . ترجمه و تدوین مطالب راهی بود برای موفقیّت در آینده در رشته درک مطلب.

سال 68 با بزرگ شدن فرزندان با مجله کهشان که مجله پژوهشی و علمی بود همکاری کردم . سردبیر متون ترجمه شده مرا قبول می کرد و همواره آنرا اصلاح می کرد وبه من بر می گرداند تا آنرا اصلاح نمایم .کار تاسال 84 ادامه یافت ولی یکدفعه ترجمه متدن کنار گذاشته شد . می دانید چرا؟ چرا؟ چرا؟

از سال 70 خلاء عظیمی در وجودم احساس می کردم ؟ چرا؟

متون خارجی سنگین بود . آثاری از بی دینی و بی اعتقادی در آن موج می زد.من ازمتون قرآن اطلاعی نداشتم . پس در سال 70- اسم خود را در نظام قدیم نوشتم (تولد1332)چون آن زمان حوزه های خواهران بصورت امروزی نبود. آغز طلبگی با استادانی چون خانم لواسانی( رئیس حوزه علمیه زینب کبری(س) استاد بزرگ خانم روستا در میدان بهارستان – استاد خانم شهرمهر – ادبیات عرب (عوامل- هدایه – صمدیه – سیوطی – لمعه – علوم قرآن- منطق0جامع السعادات خلاصه سرتان را درد نیاورم تا فلسفه و رسائل و مکاسب بتدریج آموختم و بعد هاجزء طلاب قم شدم..

نکته مهّم اینکه هر درسی را یاد می گرفتم خودم بدون اینکه استاد بخواهد درقرآن پیاده می کردم .تا فهم قرآن برایم آسان شود. طوری با لذت در تجزیه وترکیب کار میکردم که در کنار کتابهای درسی کتب اعراب قرآن عربی را می خریدم و ضمن مطالعه مشغول یافتن نظرات می شدم تا بتدریج حدود سالهای 86 و 87 دعای کمیل را با تجزیه وترکیب تفسیر کردم . تفسیر عرفانی دعای کمیل با مقدمه آیت الله کربلایی (چون قبولی این شرح از طرف ایشان برایم مهم بود) به چاپ رسید . خیلی شیرین است . وبه خدا می گفتم از من همت از تو برکت که واقعا پروردگار خیلی در این زمینه به من حقیر وسعت داده است که قادر به شکرش نیستم.

در بین مطالعات روزانه در موضوعات حدیثی و دینی و ارائه درسها بمدت دو سال دوره حدیث شناسی را در دانشگاه علوم حدیث که آزاد بود در کنار علوم حوزوی می گذراندم . چون در مقاله نویسی ضرورت داشت. عزیزان من ،دست به قلم بودن راهرگز رها نکردم. می آموختم و می نوشتم . هرسال رهبر عظیم الشان سال نو را با واژه های پر معنا وزیبا که قابل تدّبر بود می فرمودند .پس در نوشتن و توضیح آن مطالب از قرآن و نهج البلاغه شیوه دیگر من بود. هر کس اعلام مقاله می کرد آماده بودم . چون دیگر فرزندان بزرگ شده و ازدواج کردند من هم طالب علم بودم در کنار دروس حوزوی در سال 92 وارد دانشگاه شدم برای ارشد. ولی وقتم به هدر رفت ؛چون هر چه می خواندم همان بود که در حوزه خوانده بودم ولی از یک چیز که باقیات و صالحات برایم می ماند عشق و علاقه به پایان نامه بود پایان نامه ای در مورد محورها ی دفاع از مبانی تشیع در کتاب النص و الاجتهاد .....که به یادگار به سه جا هدیه شد. اما هنوز تمام نشده هنوز ورود به حوزه کار دارد. گوش دهید.! زیادی گوش دهید.!

از سال 80 تا 94 در دو حوزه قبا (تدریس نظام قدیم ادبیات عربی تا پایان جلد اول در حوزه قبل از زیر پوشش رفتن حوزه ) وبعد تدریس و مصاحبه با طلاب و معاونت فرهنگی در حوزه نجمه خاتون(س))ام چه شد که در سال 94 از حوزه استعفا کردم .( بعلت ناراحتی کمر ) ملی خوشحالم که در مدّتی که در حوزه بودم از اخلاق طلبگی و نظام طلبگی و کمک به همنوع ورفع مشگلات طلاب و تربیت طلاب در رشته های تبلیغ – تدریس- و نویسندگی از اهداف بزرگ من بود که به حمد خدا به ثمر رسید . ولی یک چیز که خیلی مهم است :

عزیزان من دنیای امروز درسهای مهم سیاسی و اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی را در خود نهفته است. گاهی این مسیر مشخص وروشن، قدر شناس نکات مهم امام در نهج البلاغه است و گاهی همین اندیشه ها باطل گرا می شوند وجامعه اسلامی را فلج می کنند.معنویت مهمتر از جذب این دنیای فانی است. معنویت زندگی را پرورش می دهد زیرا روشش آرامش است. معنویت اصل دین است نه دنیای فریب مجازی امروز که عمر بشر را در گیر مسائل شهوتی و غضبی وبهمیه می کند. معنویت شیعه یعنی ولایت که در پرتو ولایت وبخصوص در زمان غیبت کبری در کنار ولی فقیه گوش به اوامر او باشی تا وانمانی تا فریب اندیشه های باطل را نخوری . تا با ورود به حوزه با اندیشه جهل مرکب مبارزه کنی .از شما می پرسم برای چه می خواهید به حوزه وارد شوید؟ بسیاری از طلاب به من می گفتند بخاطر فهم قرآن . بله ؛ من هم قبول دارم ما نباید از ثقلین جداشویم تا حضرت رسول(ص) از ما راضی باشند. ولی طلبه که شدی ووارد حوزه شدی در درجه اول خانواده را فراموش نکن که تو برگردن آنها حق داری و انها هم برگردن تو حق دارند،پس برای بهبود و موفقیت در این مسیر ؛ ابتدا هدفت را مشخص کن که چیست؟که برای هدفت ایستادگی به خرج دهی تا در وسطش با وجود مشگلات درسی جا نزنی.خودت را به سختیها ورفع انها عادت بده. از علم جدا نشو که جهل برتو غلبه کرده است . خواهران طلبه امید این مملکت انقلابی هستند پس بخوان تا بدانی و بدانی تا دچار جهل مرکب نشوی.پس بمان در حوزه نه بخاطر مدرک فقط بخاطر کسب علم و تربیت خود وفرزندان که اصل و پایه اسلام اخلاق حسنه است واین اخلاق حسنه یقین را در تو شکل می دهد پس می آموزی و تعلیم می دهی تا حق بماند و باطل نابود شود. من طلاب را دوست دارم و در کوثر نت شروحی را که خداوند توفیق داده و اکنون هم مشغول آن هستم به حول و قوه الهی ، برایتان ارسال کرده و می کنم تا بدانید طلبگی افتخار است . تا بدانید طلبگی درس بیداری اسلامی وپیاده کردن آن در ابعاد گوناگون سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به جهانیان است. تا بدانید عزّت مومنین و مومنات در احقاق حق و حق شناسی در جامه طلبگی است . موفق باشید . والسلام علی من اتبع الهدی